

الگوی تحول علوم انسانی

علیرضا پیروزمند

عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی و مدرس دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

a.bayatani@gmail.com

احمدرضا حجازی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانش دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

a-Hejazi@msrt.ir

چکیده

در این مقاله با بررسی و تحلیل الگوی تحول علوم انسانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر پیروزمند می‌توان اذعان کرد که مقصود ایشان از ارائه الگوی پیشنهادی تبدیل مبانی و بنیادها، روش‌ها، مفاهیم، ساختارها، نظریه‌ها و مکاتب و متون علمی در مسیر تکامل روشمند و اسلامی‌سازی و بومی‌سازی علوم انسانی و نگاه کلی و ملی به تحول علوم انسانی است؛ در واقع، در این مقاله به مبانی فکری، به‌ویژه مبانی معرفت‌شناسی، پرداخته نمی‌شود و بیشتر به بخشی از سخنان ایشان که معطوف به تحول علوم انسانی است توجه می‌شود. دکتر پیروزمند در مبانی با تقسیم علوم انسانی به سه طبقه درون علوم انسانی، علوم نزدیک به علوم انسانی و بیرون علوم انسانی الگوی پیشنهادی تحول خود را در دو سطح «الگوی پایه تحول» و «ارائه سه زیرالگوی تحول محتوا، برنامه و سازمان علوم انسانی» ارائه می‌کند؛ در واقع الگوی پایه تحول را در سه بعد ارکان، لایه‌ها و مراحل تحول بررسی می‌کند و الگوی تحول محتوا، برنامه و سازمان علوم انسانی را با بررسی

ابعاد و مؤلفه‌های (محتوا، برنامه و سازمان) علوم انسانی ارائه می‌دهد. بر همین اساس، ضمن ارائه نقشه راه در انقباضی‌ترین وضعیت با تحول در سه مؤلفه و ارائه برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای تحول و همچنین، ارائه نقشه راه در انبساطی‌ترین وضعیت و ارائه برنامه در کوتاه، میان و بلندمدت، الگوی نسبتاً شناور و قابل استفاده در همه شرایط موجود را ارائه می‌کند.

دکتر پیروزمند با ارائه الگوی شناور و قابل تغییر در شرایط مختلف در بخش‌های محتوای علوم انسانی، تحول برنامه‌های علوم انسانی و تحول سازمان علوم انسانی و اولویت‌بندی در تحول هر یک از بخش‌های یادشده، انقباض در سه مؤلفه، انبساط در نوزده هزار مؤلفه و ارائه برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای تحول علوم انسانی در هر بخش از الگوی پیشنهادی خود که شامل حداقل سه مؤلفه همچون پالایش، پیرایش و پیدایش است، برنامه کوتاه‌مدتی را همچون پالایش و تغییر ظاهری در چهره علم، پیرایش و تغییر در بخشی از اجزای علم، پیدایش و تحول در تمامی ارکان علم ارائه می‌کند که می‌توان این برنامه‌های سه‌گانه (کوتاه، میان و بلندمدت) را در هر بخش به صورت جداگانه اجرایی کرد؛ در واقع، این موضوع یکی از نکات برجسته و مهم الگوی ایشان است. از دیگر ویژگی‌های الگوی ایشان می‌توان به جنبه‌های محتوایی و مدیریتی اشاره کرد که از یکدیگر تفکیک کرده‌اند؛ علاوه بر آن، عوامل مدیریتی را نیز در دو جنبه برنامه و سازمان از هم تفکیک و در یک مدل دیگر آن‌ها را متقوم و مرتبط کرده است. از دیگر ویژگی‌های الگوی پیشنهادی یادشده بررسی هم‌زمان تحول در مدیریت و تحول در محتوای علوم انسانی است؛ بنابراین، با توجه به قابلیت و امکان تنظیم نظام راهبردی تحول علوم انسانی، قابلیت تنظیم نقشه راه برای تحول علوم انسانی و ویژگی‌های منحصر به فرد آن، الگوی ارائه شده توسط حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر پیروزمند را می‌توان در سازمان‌های متولی تحول علوم انسانی اجرایی کرد.

کلیدواژه‌ها: تحول علوم انسانی، الگو، بومی‌سازی، اسلامی‌سازی.

مقدمه

تحول به معنای تغییر و تبدیل شیء یا شخص از حالتی و صفتی به حالت و صفت دیگر است. تحول در علوم انسانی به معنای تبدیل مبانی و بنیادها، روش‌ها، مفاهیم، ساختارها، نظریه‌ها و مکاتب و متون علمی در مسیر تکامل روشمند و اسلامی و بومی‌سازی علوم انسانی است؛ تغییری که حاکمیت علمی پیدا کند. با این بیان معلوم می‌شود در تحول علوم انسانی، رویکرد ترمیمی، تهذیبی و پیرایشی، نقادی‌سازی و بومی‌سازی فرهنگی و کاربردی محض منظور نبوده است، بلکه مقصود از تحول در علوم انسانی، فرایندی است که در آن نظریه‌های علوم انسانی روشمندانه و مبتنی بر مبانی و منابع اسلامی (عقل، تجربه و نقل دینی) در راستای مقاصد شریعت و نیازهای جامعه اسلامی تولید شوند.

در الگوی پیشنهادی دکتر پیروزمند صرفاً از روش ابداعی فرهنگستان علوم اسلامی در الگوسازی استفاده شده است. توضیح و اثبات آن در این ارائه نمی‌گنجد، اما برای ایجاد زمینه تفاهم با الگوهای پیشنهادی مراحل لازم است که عبارت‌اند از: ۱. ابتدا برای هر موضوع ابعاد «زمانی، مکانی و نسبت بین زمان و مکان» بیان می‌شود؛ ۲. هر یک از ابعاد سه‌گانه با مؤلفه‌های وصفی تشریح می‌شوند؛ ۳. با استفاده از جدول ماتریس ابعاد و مؤلفه‌ها به یکدیگر مرتبط می‌شوند و تقویم آن‌ها «مفاهیم مرکبی» را تحویل می‌دهد؛ ۴. پس از شناسایی و تقدم ابعاد و مؤلفه‌ها، «نظام موضوعات، پرسش‌ها و شاخص‌ها» تعیین می‌شود.

الگوی پیشنهادی در دو سطح انجام می‌گیرد که سطح اول «ارائه الگوی پایه تحول و شامل ارکان، لایه‌ها و مراحل است و سطح دوم ارائه سه زیرالگوی تحول که با ابعاد جوهره، ساختار و اثر با مؤلفه‌های خاص خود در الگوی تحول محتوای علوم انسانی، الگوی تحول برنامه علوم انسانی و الگوی تحول سازمان علوم انسانی و ارتباط مؤلفه‌های هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرد و با ارائه نقشه راه در انقباضی‌ترین وضعیت با تحول در سه مؤلفه و ارائه برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و همچنین، ارائه نقشه راه در حالت‌های مختلف با حداکثر نوزده هزار مؤلفه و انبساطی‌ترین نقشه برنامه‌ای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای تحول علوم انسانی ارائه می‌کند.

الگوی پیشنهادی تحول علوم انسانی

الگوی پیشنهادی تحول دکتر پیروزمند در دو سطح انجام می‌گیرد که شامل ارائه الگوی پایه تحول و ارائه سه زیرالگوی تحول است که عبارت‌اند از: ۱. الگوی تحول محتوای علوم انسانی؛ ۲. الگوی تحول برنامه علوم انسانی؛ ۳. الگوی تحول سازمان علوم انسانی.

الگوی پایه تحول پیشنهادی متشکل از سه بُعد «ارکان، لایه‌ها و مراحل تحول» به قرار زیر است:

- ارکان تحول (هویتی-اصلی): محتوا، برنامه و سازمان؛
- لایه‌های تحول (ساختاری-فرعی): درونی، میانی و بیرونی؛
- مراحل تحول (فرایندی-تبعی): مطلوب، انتقال، موجود.

مؤلفه‌های شش‌گانه فرعی و تبعی در مؤلفه‌های سه‌گانه اصلی جاری است؛ از این رو، همواره با سه مؤلفه اصلی (محتوا و برنامه و سازمان) روبه‌رو هستیم که محور تحول هستند و دیگر مؤلفه‌ها، نقش توصیف زوایایی از آن‌ها را بر عهده دارند.

جدول ۱: الگوی پایه در تحول علوم انسانی (ابعاد و مؤلفه‌ها)

ارکان (هویتی-اصلی)	لایه‌ها (ساختاری-فرعی)	مراحل (فرایندی-تبعی)
محتوا	درونی	مطلوب
برنامه	میانی	انتقال
سازمان	بیرونی	موجود

تعاریف اجمالی ارکان تحول در الگوی پایه

• تعریف «ارکان تحول» در الگوی پایه

- موضوعات: نظریه‌ها، معادلات و احکام علمی نظام‌مند در دسته‌های سه‌گانه دانش‌های انسانی (اجتماعی) و حوزوی.

- برنامه: فعالیت‌های متوازی و متوالی که در فرایند مهندسی و مدیریت دانش، موردنیاز سطوح مختلف مدیران است.

- سازمان: ساختار سازمان دانش که شامل مناصب اجرایی (صف و ستاد) و فلوچارت‌ها، چگونگی ارتباطات درون و برون سازمانی و گردش عملیات مربوط است.

• تعریف «لایه‌های تحول» در الگوی پایه

- درونی: منظور از آن کل علوم انسانی اجتماعی و هنر است که موضوع اصلی ما در این طرح نیز است.

- میانی: تمام علوم اسلامی حوزوی که این بخش مهم، در حکم علوم پایه در آرمان‌شهر علمی تمدن اسلامی است.

- بیرونی: کل علوم پایه (تجربی)، فنی مهندسی، پزشکی و کشاورزی که البته در محدوده‌ای که مرتبط با علوم انسانی است، به آن‌ها اشاره خواهد شد.

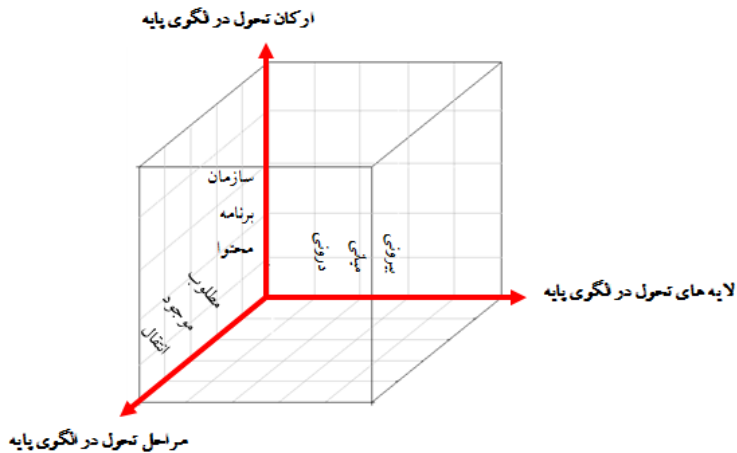
• تعریف «مراحل تحول» در الگوی پایه

- مطلوب: وضعیت حداکثری در اهداف قابل دسترس که فروتر از وضعیت آرمان‌شهری و فراتر از وضعیت موجود است.

- موجود: وضعیت حداقلی نامطلوب و موجد چالش‌های کنونی است.

- انتقال: وضعیتی میانه و حاصل مطالعه دو وضعیت مطلوب و موجود است که طی زمان‌بندی مشخص، بناست طی مراحل از راه طولانی تا رسیدن به نقطه هدف و قابل دسترس را معین

کند (پیروزمند، ۱۳۸۹: ص ۵۳)



نمودار ۱. نمودار الگوی پایه در تحول علوم انسانی

به‌طور کلی می‌توان الگوی پایه در تحول علوم انسانی را در جدول زیر خلاصه کرد.

جدول ۲. الگوی پایه در تحول علوم انسانی (ارکان، لایه‌ها، مراحل)

ارکان			محتوا			برنامه			سازمان		
لایه‌ها	درونی (علوم انسانی)	میانی (علوم اسلامی)	بیرونی (علوم طبیعی)	درونی (علوم انسانی)	میانی (علوم اسلامی)	بیرونی (علوم طبیعی)	درونی (علوم انسانی)	میانی (علوم اسلامی)	بیرونی (علوم طبیعی)	مراحل	
مطلوب	محتوای علوم انسانی در وضعیت مطلوب	محتوای علوم اسلامی در وضعیت مطلوب	محتوای علوم طبیعی در وضعیت مطلوب	برنامه علوم انسانی در وضعیت مطلوب	برنامه علوم اسلامی در وضعیت مطلوب	برنامه علوم طبیعی در وضعیت مطلوب	سازمان علوم انسانی در وضعیت مطلوب	سازمان علوم اسلامی در وضعیت مطلوب	سازمان علوم طبیعی در وضعیت مطلوب		
موجود	محتوای علوم انسانی در وضعیت موجود	محتوای علوم اسلامی در وضعیت موجود	محتوای علوم طبیعی در وضعیت موجود	برنامه علوم انسانی در وضعیت موجود	برنامه علوم اسلامی در وضعیت موجود	برنامه علوم طبیعی در وضعیت موجود	سازمان علوم انسانی در وضعیت موجود	سازمان علوم اسلامی در وضعیت موجود	سازمان علوم طبیعی در وضعیت موجود		
انتقال	محتوای علوم انسانی در وضعیت انتقال	محتوای علوم اسلامی در وضعیت انتقال	محتوای علوم طبیعی در وضعیت انتقال	برنامه علوم انسانی در وضعیت انتقال	برنامه علوم اسلامی در وضعیت انتقال	برنامه علوم طبیعی در وضعیت انتقال	سازمان علوم انسانی در وضعیت انتقال	سازمان علوم اسلامی در وضعیت انتقال	سازمان علوم طبیعی در وضعیت انتقال		

با توجه به جدول بالا، در ادامه با تمرکز به بخشی از درون علوم انسانی در الگوی پایه، سه الگو تقدیم می‌شود که بر روی هم «الگوی پیشنهادی مدیریت تحول علوم انسانی» را تشکیل می‌دهند:

۱. الگوی تحول محتوای علوم انسانی؛
۲. الگوی تحول برنامه علوم انسانی؛
۳. الگوی تحول سازمان علوم انسانی.

جدول ۳. الگوی تحول محتوای علوم انسانی

مؤلفه‌ها			ابعاد
موضوعات علم	روش علم	مبانی علم	جوهره علمی تحول
علوم کاربردی	علوم راهبردی	علوم بنیادی	ساختار علمی تحول
طبیعت‌سازی	انسان‌سازی	جامعه‌سازی	اثر علمی تحول

تعریف مؤلفه‌های جوهرهٔ محتوای تحول علمی

- **مبانی:** منظور از مبانی، عناوین مؤلفه‌های مربوط به تمامی مسائل زیرساختی و نظریه‌های فلسفی و معرفتی حاکم بر علوم است.
- **روش‌ها:** منظور از روش‌ها عناوین مؤلفه‌های مربوط به «روش‌شناسی‌های عام» و نیز «روش‌شناسی‌های خاص» مربوط به متدولوژی‌های حاکم بر مجموعه‌های علوم انسانی، اجتماعی، هنر، ادبیات و غیره است.
- **موضوع (رشته‌ها):** موضوعات اصلی عنوان رشته‌های علمی را تشکیل می‌دهد، طبعاً آنچه باقی می‌ماند تکلیف عناوین گرایش‌ها و بین‌رشته‌ای «های علوم انسانی است که بالغ بر ده‌ها و بلکه صدها عنوان موضوعی خواهد شد.

تعریف مؤلفه‌های «ساختار تحول محتوای» علمی

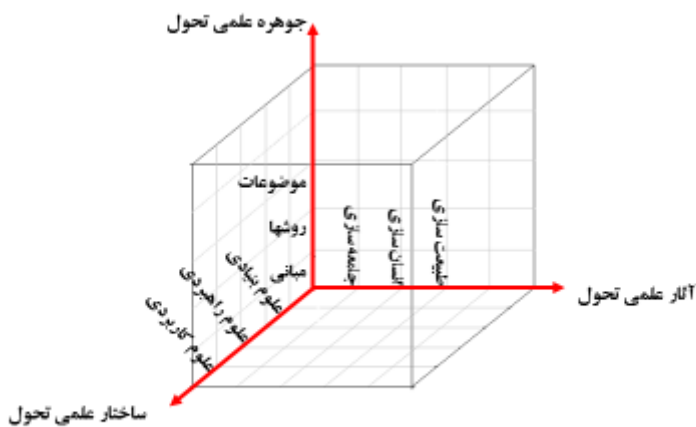
- **بنیادی:** آن دسته از مجموعه علوم انسانی است که طبقهٔ زیرین نظام طبقه‌بندی مطلوب علمی را تشکیل می‌دهد. این علوم تکیه‌گاه دو طبقهٔ دیگر علمی (راهبردی و کاربردی) است و در حکم بنیان نظری برای نظریات و احکام علمی آن دو طبقه محسوب می‌شوند. همچنین، مرز دانش تلقی می‌شوند و تکامل منظومهٔ علوم به تکامل آن‌ها شناخته می‌شود. شدت و سرعت تغییرات در این علوم بسیار کند است. از جمله علوم بنیادی می‌توان به فلسفهٔ محض و انواع فلسفهٔ مضاف (مانند فلسفهٔ تاریخ، فلسفهٔ فناوری) و جامعه‌شناسی اشاره کرد.
- **راهبردی:** منظور علمی است که حجیت خود را از علوم بنیادی می‌گیرند و درعین حال، به علوم کاربردی حجیت می‌دهند؛ از این رو، به لحاظ حجیت‌بخشی، واسط در منظومهٔ علوم هستند. شدت و سرعت تغییرات در این علوم نسبی است. از جمله علوم راهبردی، بنابر شاخص‌های یادشده، می‌توان به علوم سیاسی و مدیریت و ارتباطات و غیره اشاره کرد.
- **کاربردی:** منظور علمی است که حجیت خود را از علوم بنیادی و واسطه‌گری علوم راهبردی می‌گیرند؛ از این رو، همواره با انبوهی از اصول موضوعهٔ حاکم بر علوم کاربردی روبه‌رو هستیم که نیازمند اثبات در علوم زیرساختی و میانی قبل از آن است. شدت و سرعت تغییرات در مسائل و گزاره‌های علوم کاربردی، بیش از دو طبقهٔ پیشین است. در حال، تغییر در علوم کاربردی، طفیل تحول ساختاری و ارزشی در دو طبقهٔ پیشین است. از جمله علوم کاربردی، بنابر شاخص‌های یادشده، می‌توان به هنرهای کاربردی و علوم حقوقی و اقتصادی و غیره اشاره کرد.

تعریف مؤلفه‌های «اثر تحول محتوای» علمی

- **جامعه‌سازی:** آن دسته از اهداف علوم انسانی (بنیادی یا راهبردی یا کاربردی) است که برای مهندسی یا مدیریت تمدنی و اجتماعی و آفرینش یا بازآفرینش زیست‌بوم جدیدی از حیات طیبه یا خبیثه، توسط پژوهشگران، آموزشگران و کنشگران جامعه دنبال می‌شود. از آنجا که نظام‌های اصلی جامعه به سه حوزه تعریف می‌شود؛ از این رو، این علوم با نگاه جامعه‌شناسانه، سرپرستی حداقل یک حوزه را در عرصه نظام‌سازی سیاسی یا فرهنگی یا اقتصادی یا زیرنظام‌های تمامی آن‌ها بر عهده خواهد داشت.

- **انسان‌سازی:** آن دسته از اهداف علوم انسانی (بنیادی یا راهبردی یا کاربردی) است که برای مهندسی یا مدیریت ابعاد وجودی آحاد انسان دنبال می‌شود. در هر حال در این هدف، ارتباط فرد انسان با انسان و با خود و خانواده و جامعه ذیل احکام و حیانی دنبال می‌شود.

- **طبیعت‌سازی:** آن دسته از اهداف علوم انسانی (بنیادی یا راهبردی یا کاربردی) است که به نحوی ناظر به حوزه طبیعت، به معنای عام کلمه، و هر آنچه تحت تصرف انسان و دانش انسانی اجتماعی قرار می‌گیرد، است. این‌ها شامل حوزه حیوانات (ارتباط جامعه و انسان با حیوان)، حوزه نباتات (ارتباط جامعه و انسان با نبات) و حوزه جمادات (ارتباط جامعه و انسان با جماد) است (پیروزمند، ۱۳۸۹: ص ۵۶)



نمودار ۲. نمودار الگوی محتوای تحول علوم انسانی

جدول ۴. الگوی گسترده محتوا در تحول علوم انسانی

موضوعات			روش ها			مبانی			جوهره
کاربردی	راهنمایی	بنیادی	کاربردی	راهنمایی	بنیادی	کاربردی	راهنمایی	بنیادی	ساختار اثر
موضوعات علوم کاربردی با هدف جامعه سازی	موضوعات علوم راهنمایی با هدف جامعه سازی	موضوعات علوم بنیادی با هدف جامعه سازی	روش های علوم کاربردی با هدف جامعه سازی	روش های علوم راهنمایی با هدف جامعه سازی	روش های علوم بنیادی با هدف جامعه سازی	مبانی علوم کاربردی با هدف جامعه سازی	مبانی علوم راهنمایی با هدف جامعه سازی	مبانی علوم بنیادی با هدف جامعه سازی	جامعه سازی
موضوعات علوم کاربردی با هدف انسان سازی	موضوعات علوم راهنمایی با هدف انسان سازی	موضوعات علوم بنیادی با هدف انسان سازی	روش های علوم کاربردی با هدف انسان سازی	روش های علوم راهنمایی با هدف انسان سازی	روش های علوم بنیادی با هدف انسان سازی	مبانی علوم کاربردی با هدف انسان سازی	مبانی علوم راهنمایی با هدف انسان سازی	مبانی علوم بنیادی با هدف انسان سازی	انسان سازی
موضوعات علوم کاربردی با هدف طبیعت سازی	موضوعات علوم راهنمایی با هدف طبیعت سازی	موضوعات علوم بنیادی با هدف طبیعت سازی	روش های علوم کاربردی با هدف طبیعت سازی	روش های علوم راهنمایی با هدف طبیعت سازی	روش های علوم بنیادی با هدف طبیعت سازی	مبانی علوم کاربردی با هدف طبیعت سازی	مبانی علوم راهنمایی با هدف طبیعت سازی	مبانی علوم بنیادی با هدف طبیعت سازی	طبیعت سازی

جدول ۵. الگوی تحول برنامه علوم انسانی

مؤلفه‌ها			ابعاد
عملیاتی سازی	برنامه‌ریزی	سیاست گذاری	جوهره برنامه تحول
نظام مهارتی	نظام علمی	نظام فرهنگی	ساختار برنامه تحول
پیرایش علم	پالایش علم	پیدایش علم	اثر برنامه تحول

تعریف مؤلفه‌های جوهره برنامه

- سیاست گذاری: وضع راهنبرد یا خط‌مشی کلان در نقشه راه است که شامل موضوعات کلان یا محورهای قابل سیاست گذاری، چشم انداز و رسالت و بالآخره راهنبردها و سیاست‌های کلان می‌شود.

- برنامه‌ریزی: مرحله دوم از فرایند مهندسی و تقنین سازمانی است که مبتنی بر سیاست‌های ترسیم‌شده، به نگارش برنامه‌ها می‌پردازد و شامل سرفصل‌های میانی ذیل موضوعات محوری (در مرحله سیاست‌گذاری)، اهداف میانی و مرحله‌ای و بالآخره راهکارها یا برنامه‌های کلان نقشه است.

- عملیاتی‌سازی: مرحله سوم از فرایند مهندسی است که شامل موضوعات خرد (موارد) و اهداف عملیاتی و بالآخره اقدامات (فعالیت‌های) چندساله و سالیانه است. نکته مهم دیگر در اینجا، اولویت‌گذاری برنامه‌هاست.

تعریف مؤلفه‌های «ساختار برنامه»

- نظام فرهنگی: مهم‌ترین حوزه در جامعه علوم انسانی است که شامل نظام انگیزشی و تربیتی، نظام باورها و اعتقادات عالمان و بالآخره نظام فرهنگ سازمانی است.

- نظام علمی: حوزه اصلی مأموریت جامعه علمی است که شامل نظام پژوهشی (ناظر به حوزه تولید تخصصی علوم انسانی، نظام آموزشی (ناظر به حوزه توزیع تخصصی علوم انسانی) و بالآخره نظام ترویجی (ناظر به حوزه ترویج عمومی علوم انسانی) است.

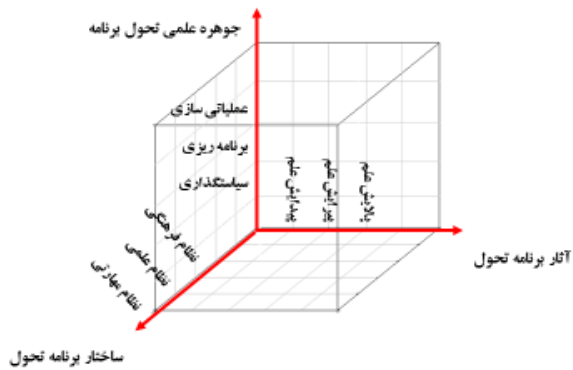
- نظام مهارتی: توان به‌کارگیری و کاربردی‌سازی دانش‌ها در جامعه علمی است که در سه حوزه مهارت‌های پژوهشی، آموزشی و ترویجی مصداق دارد.

تعریف مؤلفه‌های «اثر برنامه»

- پیدایش (تکامل وضعیت): محور اصلی تکامل و اسلامی‌سازی تحول لازم در تمامی ارکان علم است که شاخص آن احراز موافقت کلی و جامع نظریه‌ها با کتاب و سنت با هدف تغییر مبانی و روش‌های علمی در بلندمدت است.

- پیرایش (تغییر وضعیت): محور اصلی پالایش و تغییر وضعیت، تغییر در بخشی از اجزای علم است که شاخص آن احراز موافقت بخشی نظریه‌ها با کتاب و سنت با هدف ارائه نظریه‌های اسلامی در پاره‌ای موارد در میان‌مدت است.

- پالایش (ترمیم وضعیت): محور اصلی پیرایش، تغییرات ظاهری در چهره علم است، شاخص آن احراز عدم مخالفت قطعی نظریه‌ها با کتاب و سنت با هدف تهذیب علم در کوتاه‌مدت است (پیروزمند، ۱۳۸۹: ص ۶۰).



نمودار ۳. نمودار الگوی برنامه تحول علوم انسانی

جدول ۶. الگوی گستره برنامه تحول علوم انسانی

جوهره			سیاست‌گذاری			برنامه‌ریزی			عملیاتی‌سازی		
ساختار اثر	فرهنگی	علمی	مهارتی	فرهنگی	علمی	مهارتی	فرهنگی	علمی	مهارتی	فرهنگی	علمی
	پرورشی	آموزشی	تربیتی	پرورشی	آموزشی	تربیتی	پرورشی	آموزشی	تربیتی	پرورشی	آموزشی
پیدایش علوم انسانی	سیاست	گذاری	در نظام	فرهنگی	علمی	مهارتی	سیاست	گذاری	در نظام	فرهنگی	علمی
	پیدایش	برای	پیدایش	برای	پیدایش	برای	سیاست	برای	پیدایش	برای	پیدایش
پیرایش علوم انسانی	سیاست	گذاری	در نظام	فرهنگی	علمی	مهارتی	سیاست	گذاری	در نظام	فرهنگی	علمی
	پیرایش	برای	پیرایش	برای	پیرایش	برای	سیاست	برای	پیرایش	برای	پیرایش
پالایش علوم انسانی	سیاست	گذاری	در نظام	فرهنگی	علمی	مهارتی	سیاست	گذاری	در نظام	فرهنگی	علمی
	پالایش	برای	پالایش	برای	پالایش	برای	سیاست	برای	پالایش	برای	پالایش

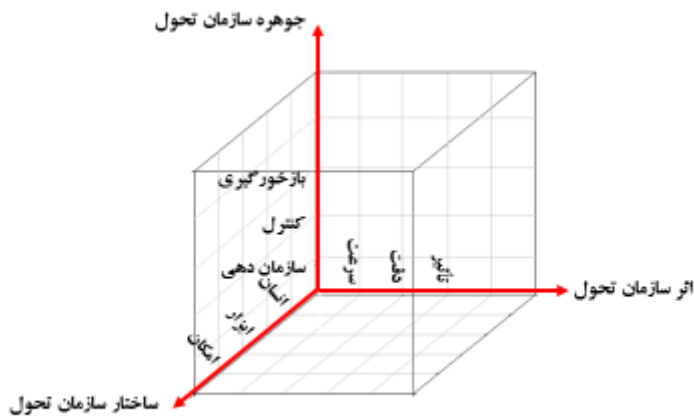
جدول ۷. الگوی تحول سازمان علوم انسانی

مؤلفه‌ها			ابعاد
بازخوردگیری	کنترل	سازمان‌دهی	جوهره سازمان تحول
امکان	ابزار	انسان	ساختار سازمان تحول
تأثیر	دقت	سرعت	اثر سازمان تحول

- **سازمان‌دهی:** منظور از سازمان‌دهی تنظیم مناصب و تقسیم کار متناسب با سازمان تحول‌گراست، اما متعلق نظام سازمان‌دهی هم سه نظام «پرورشی، علمی، مهارتی» و هم سه منبع «انسان، ابزار، امکان» است و هم سه نظام «تحول تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا».
- **کنترل:** طراحی نظام «نظارت و ارزشیابی اجرایی» است که بخشی از ساختار اصلی سازمان تحول‌گراست، اما حداقل موضوع‌های کنترل، همان منابع سه‌گانه «انسانی، نرم‌افزاری (ابزار) و سخت‌افزاری (امکان)» است.
- **بازخوردگیری:** پیش‌بینی روند «بازخوردگیری» نسبت به «رویکرد و عملکرد نظامات مفهوم‌سازی، برنامه‌ریزی و اجرایی» است که فرایندی مکمل و البته آخرین آن‌ها در سازمان‌پردازی محسوب می‌شود؛ در واقع، بازخوردگیری حلقه واسطه بین اجرای نقشه با فرایند بازمهندسی و تکمیل نقشه در دوره گذار بعدی است.
- **انسان:** «منابع انسانی» عامل و هدف (یا خدمت‌دهنده و خدمت‌گیرنده) هستند که در سه محیط درونی (حوزه علوم انسانی)، میانی (کل حوزه دانش و مهارت و فناوری) و بیرونی (حوزه غیرعلم و دانش) فعالیت و زیست می‌کنند.
- **ابزار:** به معنای تمامی نرم‌افزارهای اداره سازمان علمی است که توسط برنامه‌ریزان، مورد مطالعه و تحول دائمی قرار می‌گیرد. این «منابع نرم‌افزاری»، همچون انسان، در مؤلفه‌هایی مانند حوزه‌های «پرورشی تربیتی»، «پژوهشی آموزشی» و «مهارتی حرفه‌ای» ضرب می‌شود.
- **امکان:** منظور از امکان، امکانات و «منابع سخت‌افزاری» موردنیاز جامعه علمی است.
- **سرعت:** شاخص روانی‌انگیزی در جامعه علمی و واحدهای سازمانی است که می‌توانند سرعت عملکرد خود را در حوزه‌های «پرورشی، علمی و مهارتی» و «سازمان‌دهی، نظارت و ارزشیابی» و «سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و عملیاتی‌سازی» و غیره محک بزنند.
- **دقت:** دومین شاخص با صبغه عقلی فکری است که می‌تواند عملکرد جامعه علمی را از بعد

منطقی و علمی مورد مطالعه قرار دهد. مؤلفه دقت بیانگر عملکرد «مربیان، متریان و مدیران» و وجه مکمل عنصر سرعت محسوب می شود.

- تأثیر: آخرین شاخص ناظر به حوزه رفتاری عینی است که در ادبیات موجود، از آن به «کارآمدی» و «اثر بخشی» نسبت به عملکرد کیفی و کمی یک سازمان (و واحدهای تحت امر) تعبیر می شود. مؤلفه تأثیر بر ایند «سرعت و دقت» است که نمره به آن، امتیاز عملکرد سیستم و خرده سامانه ها را به خوبی تبیین می کند (پیروزمند، ۹۱۳۸: ص ۶۵).



نمودار ۴. نمودار الگوی تحول سازمان علوم انسانی

جدول ۸. الگوی سازمان در تحول علوم انسانی (پیروزمند، ۱۳۹۱: ص ۷۸)

بازخوردگیری			کنترل			سازمان دهی			جوهره
امکان (منابع) سخت افزاری	ابزار (منابع) نرم افزاری	انسان (منابع) انسانی	امکان (منابع) سخت افزاری	ابزار (منابع) نرم افزاری	انسان (منابع) انسانی	امکان (منابع) سخت افزاری	ابزار (منابع) نرم افزاری	انسان (منابع) انسانی	ساختار اثر
بازخوردگیری منابع سخت افزاری برای ایجاد سرعت تحول	بازخوردگیری منابع نرم افزاری برای ایجاد سرعت تحول	بازخوردگیری منابع انسانی برای ایجاد سرعت تحول	کنترل منابع سخت افزاری برای ایجاد سرعت تحول	کنترل منابع نرم افزاری برای ایجاد سرعت تحول	کنترل منابع انسانی برای ایجاد سرعت تحول	سازمان دهی منابع سخت افزاری برای ایجاد سرعت تحول	سازمان دهی منابع نرم افزاری برای ایجاد سرعت تحول	سازمان دهی منابع انسانی برای ایجاد سرعت تحول	سرعت

دقت	سازمان‌دهی منابع انسانی برای ایجاد دقت تحول	سازمان‌دهی منابع نرم‌افزاری برای ایجاد دقت تحول	سازمان‌دهی منابع سخت‌افزاری برای ایجاد دقت تحول	کنترل منابع انسانی برای ایجاد دقت تحول	کنترل منابع نرم‌افزاری برای ایجاد دقت تحول	کنترل منابع سخت‌افزاری برای ایجاد دقت تحول	بازخوردگیری منابع انسانی برای ایجاد دقت تحول	بازخوردگیری منابع نرم‌افزاری برای ایجاد دقت تحول	بازخوردگیری منابع سخت‌افزاری برای ایجاد دقت تحول
تأثیر	سازمان‌دهی منابع انسانی برای ایجاد تأثیر تحول	سازمان‌دهی منابع نرم‌افزاری برای ایجاد تأثیر تحول	سازمان‌دهی منابع سخت‌افزاری برای ایجاد تأثیر تحول	کنترل منابع انسانی برای ایجاد تأثیر تحول	کنترل منابع نرم‌افزاری برای ایجاد تأثیر تحول	کنترل منابع سخت‌افزاری برای ایجاد تأثیر تحول	بازخوردگیری منابع انسانی برای ایجاد تأثیر تحول	بازخوردگیری منابع نرم‌افزاری برای ایجاد تأثیر تحول	بازخوردگیری منابع سخت‌افزاری برای ایجاد تأثیر تحول

فرایند (نقشه راه) علمی تحول علوم انسانی

۱. فرایند محتوایی (موضوعی) در اسلامی سازی علوم انسانی

- نظام مبانی و غایات (مسائل)،
- نظام روش علم و روش شناسی،
- نظام نظریه‌ها در یک علم و در کل علوم انسانی،
- نظام الگوها و شاخص‌ها،
- قدرت محیط‌شناسی چندسطحی،
- نظام تدبیر برای تحول تمدنی.

۲. فرایند برنامه‌ای (عملیات علمی) در اسلامی سازی علوم انسانی

- شناخت نظام مند و مبنادار ادبیات موجود علمی
- پالایش علوم انسانی موجود با هدف:
 - بهره‌وری حداکثری و موضوعی در حل مسائل بومی،
 - تفکیک موارد مخالفت قطعی با معارف اسلامی،
 - احراز ناکارآمدی علوم انسانی موجود در حل مسائل تمدن اسلامی.
- پیرایش علوم انسانی موجود با هدف:
 - نقد بخشی نظریه‌های موجود به منظور احراز عدم موافقت با اندیشه اسلامی،
 - تولید نظریه‌های اسلامی به شکل بخشی و موضوعی.
- پیدایش علوم انسانی اسلامی با هدف:
 - تحول بنیادین در علوم انسانی و اجتماعی،
 - تحول فراگیر در علوم انسانی و اجتماعی،
 - تحول منسجم در علوم انسانی و اجتماعی.

۳. فرایند تفصیلی (ترکیب فرایند موضوعی و عملیاتی) در اسلامی سازی علوم انسانی

• نظام مبانی و غایات

- شناخت نظام مند مبانی،
- پالایش (بومی سازی) مبانی،
- پیرایش (اسلامی سازی بخشی) مبانی،
- پیدایش (اسلامی سازی جامع) مبانی.

• نظام روش علم و روش شناخت علم

- شناخت نظام مند روش های علم،
- پالایش نظام روش ها،
- پیرایش نظام روش ها،
- پیدایش نظام روش ها.

• نظام نظریه ها در یک علم و کل علوم انسانی

- شناخت نظام مند نظریه ها،
- پالایش نظام نظریه ها،
- پیرایش نظام نظریه ها،
- پیدایش نظام نظریه ها.

• نظام الگوها و شاخص ها

- شناخت نظام مند الگوها و شاخص ها،
- پالایش نظام الگوها و شاخص ها،
- پیرایش نظام الگوها و شاخص ها،
- پیدایش نظام الگوها و شاخص ها.

• قدرت محیط شناسی چندسطحی

- محیط شناسی براساس علم موجود (ارتقای بهره وری)،
- محیط شناسی براساس علم پالایش یافته (بومی)،
- محیط شناسی براساس علم پیرایش یافته (اسلامی ناقص)،
- محیط شناسی براساس علم پیدایش یافته (اسلامی جامع).

• نظام تدابیر برای تحول تمدنی

- تدابیر براساس علم موجود (ارتقای بهره‌وری)،
- تدابیر براساس علم پالایش‌یافته (بومی)،
- تدابیر براساس علم پیرایش‌یافته (اسلامی ناقص)،
- تدابیر براساس علم پیدایش‌یافته (اسلامی جامع).

قابلیت‌ها و ویژگی‌های راهبردی الگوی پیشنهادی

۱. امکان تنظیم نظام راهبردهای تحول علوم انسانی

۲. امکان تنظیم نقشه راه (به‌ویژه پس از امکان‌سنجی)

با کمی تأمل در جداول قبل ملاحظه می‌شود که با ترکیب مؤلفه‌های ساختار در سازمان، اثر در برنامه و جوهره در محتوا کوچک‌ترین و کامل‌ترین نقشه راه، که شامل ۲۷ مؤلفه است، برای تحول علوم انسانی حاصل می‌شود که می‌توان بخشی از این نقشه را برای پرورش انسان لازم در ساختار سازمان که شامل ۸ مؤلفه است به شرح زیر ملاحظه کرد.

پرورش انسان لازم برای پالایش در موضوعات؛

- پرورش انسان لازم برای پالایش در روش‌ها؛
- پرورش انسان لازم برای پالایش در مبانی؛
- پرورش انسان لازم برای پیرایش در موضوعات؛
- پرورش انسان لازم برای پیرایش در روش‌ها؛
- پرورش انسان لازم برای پیرایش در مبانی؛
- پرورش انسان لازم برای پیدایش در موضوعات؛
- پرورش انسان لازم برای پیدایش در روش‌ها؛
- پرورش انسان لازم برای پیدایش در مبانی.

بدیهی است پس از لحاظ‌کردن طراحی ابزار لازم در سازمان و تأمین امکانات لازم در سازمان در مؤلفه‌های اثر در برنامه تحول و جوهره در محتوای تحول علوم انسانی این نقشه نسبتاً کامل و کوچک قابل اجراست.

۳. امکان انقباض در حد سه مؤلفه و انبساط در حد نوزده هزار مؤلفه

با توجه به جداول الگوی سازمان، برنامه و محتوای در تحول علوم انسانی ملاحظه می‌شود که می‌توان با تحول در سه جزء همچون پیدایش در علوم انسانی، پیرایش در علوم انسانی و پالایش در علوم انسانی کوچک‌ترین نقشه راه را ارائه کرد. در مقابل، با ترکیب همه اجزای الگوی پیشنهادی به نوزده هزار مؤلفه خواهیم رسید؛ بنابراین، می‌توان گفت امکان انقباض و انبساط یکی از نکات برجسته این الگو است.

۴. وجود نظام اولویت و رابطه ریاضی بین عوامل

برای مثال بین ابعاد «جوهره» از «ساختار» و «ساختار» از «اثر» اولویت بیشتری دارد (از بالا به پایین). بر همین اساس، تحول مبانی علوم بنیادی با هدف جامعه‌سازی در الگوی محتوا اولویت بیشتری نسبت به تحول موضوعات علوم کاربردی با هدف طبیعت‌سازی دارد (از راست به چپ).

افزون بر نظام اولویت پیش‌گفته به دو قاعده دیگر نیز باید توجه داشت:

- اصولاً ترتیب تغییر عینی، برعکس ترتیب اهمیت مؤلفه در الگو است.
- تحت‌تأثیر امکان‌سنجی عینی، ترتیب اولویت مفروض دستخوش تغییر می‌شود.

۵. چندوجهی بودن الگو

با توجه به نکات ذکر شده مبنی بر اولویت‌دار بودن مؤلفه‌ها از بالا به پایین و از راست به چپ، برای مثال چنانچه شرایط تحول در بخش سیاست‌گذاری در برنامه تحول علوم انسانی مهیا نباشد می‌توان ابتدا با اقدامات اجرایی که زمینه آن مهیاست شروع کرد و سپس با تحول در برنامه‌ریزی و پس از آن با فراهم‌شدن زمینه برای تحول در سیاست‌گذاری و بازبینی مجدد این فرایند به سمت عملیاتی کردن سیاست‌های جدید متحول‌شده اقدام کرد.

۶. نقد و پالایش و ترمیم وضعیت موجود

محور اصلی پالایش و پیرایش تغییرات ظاهری در چهره علم است؛ تغییر وضعیت و ترمیم بخشی از اجزای علم، یعنی با نقد علم موجود و ارائه شاخص‌های علم جدید که با کتاب و سنت هم‌راستا باشد پیرایش می‌شود و پس از آن در تمامی ارکان علم، که شاخص آن احراز موافقت کلی و جامع نظریه‌ها با کتاب و سنت با هدف تغییر مبانی و روش‌های علمی در بلندمدت است، حاصل خواهد شد.

۷. امکان ارائه برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت

با توجه به انقباض و انبساطی بودن الگو و امکان ارائه نقشه راه در سه مؤلفه و نوزده هزار مؤلفه به همین صورت می‌توان برنامه بلندمدت را در انقباضی‌ترین و انبساطی‌ترین برنامه اجرایی کرد. برای مثال، با ارائه برنامه کوتاه‌مدت در پالایش علوم انسانی و پیرایش علوم انسانی در برنامه میان‌مدت به پیدایش علوم انسانی جدید در برنامه بلندمدت دست یافت (پیروزمند، ۱۳۹۱: ص ۸۹).

اجمالی‌ترین تا تفصیلی‌ترین شکل به‌کارگیری الگوی پیشنهادی

مرحله ۱. پالایش علوم انسانی، پیرایش علوم انسانی، پیدایش علوم انسانی.

مرحله ۲. پالایش موضوعات، روش‌ها، مبانی؛ پیرایش موضوعات، روش‌ها، مبانی؛ پیدایش موضوعات، روش‌ها، مبانی.

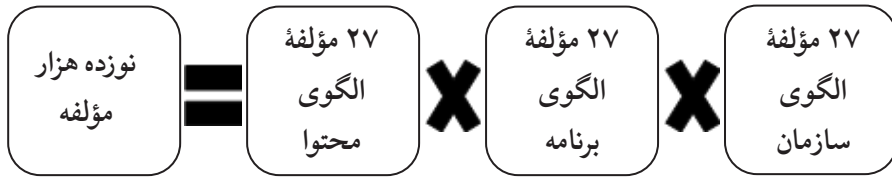
مرحله ۳.



مرحله ۴. اوصاف ساختاری در الگوی محتوا (بنیادی، راهبردی، کاربردی) به مرحله ۳ اضافه می‌شود.

مرحله ۵. اوصاف اثری در الگوی محتوا (جامعه‌سازی، انسان‌سازی و طبیعت‌سازی) به مرحله ۴ اضافه می‌شود.

مرحله ۶. تفصیلی‌ترین شکل در معادله زیر به‌دست می‌آید (همان).



نتیجه‌گیری

براساس یافته‌ها، الگوی ارائه‌شده توسط حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر پیروزمند در راستای تحول علوم انسانی اسلامی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها، راهکارها و برنامه‌هایی را در هر بخش از الگوی پیشنهادی خود ارائه می‌کند که شامل حداقل سه مؤلفه همچون پالایش، پیرایش و پیدایش است. برنامه کوتاه‌مدت را در پالایش و تغییر ظاهری در چهره علم، پیرایش و تغییر در بخشی از اجزای علم، پیدایش و تحول در تمامی ارکان علم ارائه می‌دهد که می‌توان این برنامه‌های سه‌گانه (کوتاه، میان و بلند مدت) را در هر بخش به صورت جداگانه اجرایی کرد؛ در واقع، این موضوع یکی از نکات برجسته و مهم الگوی ایشان است که با ارائه راهکار اجرایی در هر بخش و ارائه مؤلفه‌های واجد تغییر و تحول به همراه اولویت آن‌ها بستری مناسب و قابل اجرا در سازمان‌های متولی تحول علوم انسانی ارائه کرده‌اند.

ایشان، با ارائه نقشه راه تحول علوم انسانی در حداقل ۲۷ مؤلفه و حداکثر نوزده هزار مؤلفه، در بخش فرهنگی با ارائه مؤلفه فرهنگی در ساختار برنامه تحول در نظام انگیزشی و تربیتی، نظام باورها و اعتقادات و نظام فرهنگ سازمانی، در بخش نقد علوم موجود با ارائه مؤلفه‌های پالایش، پیرایش و پیدایش به نقد علوم موجود و تغییر وضعیت به علوم جدید و پیدایش آن‌ها اشاره دارد. در بخش تولید با ارائه مؤلفه جامعه‌سازی در الگوی محتوا و تحول مبانی علوم بنیادی با هدف تولید علم جدید، در بخش سیاست‌گذاری با ارائه مؤلفه سیاست‌گذاری در جوهره برنامه تحول به موضوعات کلان یا محوری قابل سیاست‌گذاری و چشم‌انداز و رسالت کلان و در بخش اجرایی با مؤلفه عملیاتی‌سازی موضوعات خرد و اهداف عملیاتی چندساله را اولویت‌بندی می‌کند و نقشه راهی بدین منظور ارائه می‌کند؛ علاوه بر آن، در الگوی تحول برنامه با اشاره به نظام پژوهشی ناظر به حوزه تولید، توزیع و ترویج تخصصی علوم انسانی است که ملاحظه می‌شود علاوه بر بخش تولید و ترویج به توزیع علوم انسانی جدید پرداخته و راهکارهای عملیاتی ارائه کرده‌اند.

دکتر پیروزمند در الگوی پیشنهادی خود جنبه‌های محتوایی و مدیریتی الگو را از یکدیگر تفکیک کرده است و علاوه بر آن، عوامل مدیریتی را نیز در دو جنبه برنامه و سازمان از هم تفکیک و

در یک مدل دیگر آن‌ها را مرتبط کرده است. از دیگر ویژگی‌های الگوی پیشنهادی یادشده بررسی هم‌زمان تحول در مدیریت و تحول در محتوای علوم انسانی است. بنابراین، با توجه به شاخص‌ها، ابعاد، مؤلفه‌ها، طبقه‌بندی‌ها و ارائه راهکارها و فرایندهای اجرایی و قابلیت‌هایی همچون امکان تنظیم نظام راهبردهای تحول علوم انسانی، امکان تنظیم نقشه راه (به‌ویژه پس از امکان‌سنجی)، امکان انقباض در حد سه مؤلفه و انبساط در حد نوزده هزار مؤلفه، وجود نظام اولویت و رابطه ریاضی بین عوامل، چندوجهی بودن الگو، نقد و پالایش و ترمیم وضعیت موجود، امکان ارائه برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و غیره الگوی ارائه‌شده توسط استاد ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر پیروزمند برای تحول علوم انسانی کاربردی‌تر و عملیاتی‌تر است و می‌توان آن را در سازمان‌های متولی تحول علوم انسانی طراحی و اجرا کرد.

کتابنامه

۱. پیروزمند، علیرضا. ۱۳۸۹. الگوی مفهومی تحول علوم انسانی اسلامی. پروژه تحقیقاتی، دفتر تحصیلات تکمیلی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۲. _____ . ۱۳۹۱. «الگو و راهبرد تحول در علوم انسانی». مجموعه مقالات همایش تحول در علوم انسانی. بهار ۱۳۹۱. جلد دوم. با مشارکت فرهنگستان و دانشگاه تهران.